

زور آقای مربی

طنزیم
هومن جعفری



دیدند زور هیچ کس به یحیی نمی رسد، رئیس حراست وزارت ورزش را به عنوان مدیرعامل پرسپولیس انتخاب کردند! تابیینیم فایل ویدئویی این بنده خدا چندماه دیگر منتشر شود که در حال گله کردن از دست سرمربی تیمش است!

چه لیگی داریم

سرانجام ویسی از پیکان جدا شد تا مشخص شود که نمی تواند با اکبر محمدی کار کند. دو هفته دیگر لیگ برتر داریم، یکسری از تیم ها مدیرعامل ندارند، یکسری از تیم ها سرمربی ندارند، یکسری از تیم ها پنجره شان بسته شده، یکسری از تیم ها مشکل مالی دارند و یکسری دیگر از تیم ها که این مشکلات را ندارند، مشکلات بزرگتری دارند که در طول فصل خودش را نشان می دهد. همه چیز برای یک فصل معرکه ایرانی آماده است. منتظر مزخرف ترین فصل فوتبال سال های اخیر باشید!

هی روزگار

حمله به علی دایی و زورگیری از او تلخ بود اما خدا را شکر که به او آسیب نرسید. چه جامعه ای داریم. امنیت و بقیه موارد انگار کشک شده اند. علی آقابرای خود محافظ بگیر!

حراج برند

خبر رسیده که فیروز خان کریمی تشریف برده اند دسته دوم مربیگری! نمی دانم چه اصراری است که استاد به این تیم های کوچک وضعیف می روند. بمان خانه تا نیم فصل برگرد لیگ برتر! چرا برندت را حراج می کنی؟

مشکلات بارسلونا

کارلس توسکس رئیس کمیته مدیریتی بارسلونا تأیید کرد که برای بهبود اوضاع اقتصادی باشگاه، کار سختی پیش رود اند. وی گفت: «ما یک کمیته اقتصادی و یک کمیته انضباطی را در حال حاضر تعریف کرده ایم و هدف اول این است که شرایط اقتصادی باشگاه را به حالت مطلوب نزدیک کنیم.

متأسفانه از این حیث اوضاع بدتر از تصورات مان است و کار سختی پیش رو داریم. خوشبینم زمان انتقال امور به تیم بعدی، شرایط بارسا بهتر از امروز شده باشد.»

قرار شده هیأتی از سوی باشگاه بارسلونا برای مذاکره با وزیر ورزش به تهران بیایند تا طریقه استفاده از آدم های ثروتمند در هیأت مدیره را پرس و جو کنند! از دندانیزشک مسی به عنوان یکی از گزینه های مدیریتی بارسا نام برده می شود.

فوتبال هچل ومچل وهشلف!

نگاه
شهرام وزیری

در این فوتبال بی رئیس با این همه مژئوس رئیس نما، در این فوتبال بی اساس که نامش هست اما دریغ از اساسنامه اش؛ در این فوتبالی که پشت میزهایش قد و نیم قد پراز آدم است اما روی میزهایش نه کاری هست و نه بر و باری برای فوتبال؛ در این فوتبالی که هیکل ناتوانش در بایگانی راکد ویلموتس ها همچنان خاک می خورد و گرد و غبارش به چشم و چال مردم رفته؛ در این فوتبالی که یک طرفش دندان ساز تیمدار شده اش نه تنها دندان های خالی تیم قهرمانش را بر نکرده بلکه کلیتین به دست یکی یکی دندان های سالمش را کشید و رفت؛ فوتبالی که در دیگر طرفش تیمدارنماهای عاشق پیشه رمنووار در کوچه پس کوچه های رم به دنبال ژولیت های فراری گم شدند تا به طرفه العین تیمشان را در به در کنند؛ فوتبالی که رئیس داوران همیشه آفسایدش را هنوز از در بیرونش نکرده، هول هولکی دوباره از پنجره می پرد وسط معرکه؛ در این فوتبالی که پراز عاشق پیشه های تازه پا گرفته است و شب نشده صبح به عشق انبان های گشاد دشداشه پوشان از عاشقی فارغ می شوند؛ فوتبالی که سال به سال حضور مربیان دوره ندیده اش با بده بستانی ها ممد حیات اند تا همچنان مفرح ذات این فوتبال باشند... و تو بگو حالا به چنین فوتبال هچل ومچل وهشلف چه باید گفت؟!

هشلفی که سال هاست روز از نوروزی زنوبه روز مرگی، برنامه گم کرده شب می خوابد و صبح بی برنامه تر پا می شود. فوتبالی که هر روزه رنگ رخساره نشان از کذاب بودنش می دهد تا نداشته ها و نداشته هایش را هم به خود و خودی ها دروغ بگوید و هم مدام برای آن سوی آب ها دروغ پراکنی کند. فوتبالی حرفه ای البته نه از نظر ساختار منزلزلش که به کوری چشم هر آنکه نتواند دید، حرفه ای و غرقه در حساب سازی های عدیده اش. فوتبالی بدهکار با مدیرنماهایی همیشه طلبکار، فوتبالی که به ظاهر آه ندارد با ناله سودا کند اما با تبدیل ریال بیارزش به دلار البته با ارزش از ما بهتران مدام سرمایه های این ملت شکم به پشت چسبیده را حیف می کند تا رندان در پس پرده میل فرمایند. توبه چنین فوتبالی نمی گویی هشللف؟!

*واژه هشللف در فرهنگ لغات به معنای بی مصرف، ناکارآمد و بیهوده آمده است.



وقتی هیچ کس پاسخگو نیست

مدیریت حراستی چاره کار است؟

سامان موحدی راد



پرسپولیس یک هفته بعد از ماجرای عجیب و غریب مهدی رسول پناه صاحب یک مدیر جدید شد. مدیری که همچنان از جایی غیر از فوتبال می آید و معلوم نیست این آزمون و خطاها در مدیریت باشگاه های بزرگ تا کجا ادامه خواهد داشت. واقعیت درباره دو باشگاه استقلال و پرسپولیس این است که مدیران این دو باشگاه باید از یکی از دو دسته زیر باشند. یا مدیر لایقی باشند که کارنامه مدیریت قابل قبولی دارد و حالا در عرصه ورزش هم مثل سایر عرصه ها می تواند مؤثر باشد یا اینکه یکی از خانواده باشگاه باشد. اما مدیرانی که اغلب در چند سال اخیر در استقلال و پرسپولیس روی کار آمده اند، از هیچ کدام از این دسته ها نبودند. اغلب آدم های ناشناخته ای بودند که در استقلال و پرسپولیس معروف شدند و البته در باشگاه کلی جنجال و حاشیه و مشکل هم ایجاد کردند.

حالا پرسپولیس از یک مدیر با ادبیات چاله میدانی احتمالاً به یک مدیر موقر و متین رسیده اما با این مشکل بزرگ که سابقه مدیریت ورزشی این مدیر تنها به ریاست حراست وزارت ورزش و جوانان باز می گردد. در واقع یک مدیر حراستی با کمترین سابقه و آشنایی با چار چوب های مدیریت یک باشگاه این روزها به ریاست یکی از دو باشگاه مهم ایران رسیده است. باشگاهی که این روزها مسائل مهمی را پیش رو دارد. فینال آسیا و واگذاری سهام در بورس شاید مهم ترین چالش های مدیریتی باشگاه پرسپولیس در شش ماه آینده باشد. اگر چه مسائل و مشکلاتی هم از مدیریت قبلی باشگاه پرسپولیس به این تیم ارث رسیده است. از جمله موضوع قرارداد آتیه داده پرداز که حواشی فراوانی درباره آن آپشن ها و امتیازاتی که در آن داده شده است وجود دارد.

آنچه در ظاهر امر پیداست این است که سمیعی در پرسپولیس با سابقه ای که در مدیریت حراست دارد، سعی کند که با فساد های احتمالی مبارزه و به باشگاه کمک کند تا از یکی دو گردنه مهم این روزهایش بگذرد. اما شاید جای سؤال مهم تری از مدیران ورزشی ایران باشد و آن اینکه چرا پایان کار اغلب حاشیه ها و جنجال های شان را قصد دارند با مدیریت حراستی برطرف کنند؟ آیا مدیریت حراستی چاره کار پرسپولیس و استقلال و فوتبال ایران است؟ چرا کسی پاسخگوی سال ها انتخاب غلط، رفاقتی و غیر کارآمد در فوتبال ما نیست؟ چرا کسی بابت انتخاب فتحی و سعادت مند و عرب و رسول پناه تا کنون به مردم و هواداران پاسخی نداده؟ اینکه آنها با چه ویژگی هایی انتخاب شدند و یا چگونه از این باشگاه رفتند. هزینه کارهایشان در باشگاه را چه کسانی دادند؟ خودشان یا باشگاه؟

حالا پرسپولیس مدیرعاملی دارد که در سابقه کاری اش مشاور شهردار و رئیس کل حراست شهرداری تهران و عضو هیأت رئیسه کمیته پدافند غیرعامل را دارد. بی شک گذشت زمان نشان خواهد داد این سابقه تا چه میزان به کمک پرسپولیس خواهد آمد.

سناریویی که برای استقلال هم تکرار می شود

یک بازی برد – برد

میعاد نیک



پیش از انتخاب جعفر سمیعی زفر قندی به عنوان مدیرعامل جدید باشگاه پرسپولیس، شاید کمتر کسی فکر می کرد که مهم ترین پست ساختمان خیابان شیخ بهایی قرار است به یک فرد خارج از دایره فوتبال برسد. انتصاب رئیس حراست وزارت ورزش و جوانان برای تصدی پست مدیرعاملی باشگاه پرسپولیس آن هم در شرایطی

که این کرسی حساس مدعیان بسیاری اعم از مدیران سابق و پیشکسوتان تیم داشته، نشانگر حساسیت بالای این باشگاه برای مجموعه وزارتخانه است.

وزیر ورزش و جوانان که با کمک معاونان و مشاورانش به ترتیب روی اسامی بزرگی نظیر علی اکبر طاهری و حمید رضا گر شاسبی خط کشید، بالاخره توانست مهره مهمی را به بدنه باشگاه پرسپولیس وارد کند تا زمام امور مدیریتی این باشگاه برطرفدار لااقل تا پایان عمر حضورش در ساختمان وزارتخانه همچنان در اختیارش باشد. انتخاب رئیس حراست وزارت ورزش و جوانان برای مدیرعاملی باشگاه پرسپولیس یک اتفاق عجیب و بی سابقه نیست و مسعود سلطانی فر یک بار دیگر هم این سناریو را با انتصاب ایرج عرب تجربه کرده بود، اما عدم کارآمدی عرب و حواشی عجیب پیرامون پرسپولیس در دوران مدیریت وی باعث شد تا برای چندوقت هم که شده آقای وزیر از دوست دندان پزشکی خود برای رفق و فتق امور باشگاه پرسپولیس استفاده کند و به محض افتادن آب هاز آ سیاب، یک مهره امنیتی و مورد وثوق وارد کارزار مدیریت شود.

از انتخاب جعفر سمیعی می توان برداشت کرد که شیوع بحران روانی و اعتراضات دسته جمعی بین هواداران پرسپولیس باعث شده که وزیر ورزش و جوانان رو به رئیس حراست وزارتخانه اش بیندازد تا با برافراشتن علم جلوگیری از فساد و لااقل مسکوت نگه داشتن ماجراهای پشت پرده، از آشوب و اجتماع هواداران مقابل در باشگاه و در مجلس شورای اسلامی جلوگیری شود. هر چند سمیعی سابقه مدیریت بریک باشگاه فوتبالی را تا به حال نداشته و بعید هم به نظر می رسد که با پیراهن ورزشی عکسی داشته باشد، اما انتخاب یک حراستی برای مبارزه با فساد با ورود یک عضو جوان و فوتبالی همراه شده تا یک بازی برد – برد برای پرسپولیس رخ دهد. سمیعی احتمالاً برای مسائل کلان مالی و اقتصادی و همچنین برای قطع کردن دست دلال ها و ایچنت هایی که تا کادرفنی پرسپولیس هم رسوخ کرده اند، وارد گود شده و ابراهیم شکوری هم برای انجام امور محوله تیم پرسپولیس و عملاً برای تسریع در روند کارهای اجرایی عهده دار سمت قائم مقامی باشگاه شده است. شکوری به عنوان یک عنصر بالانس کننده بین رختکن و مدیریت وارد ساختمان باشگاه پرسپولیس می شود و سمیعی هم مبارزه با فساد در فوتبال را این بار به طور تخصصی و فقط در یک تیم بررسی می کند تا شرایط ورود پرسپولیس به بازار سرمایه مهیا شود. این ماجرا احتمالاً برای باشگاه استقلال هم تکرار خواهد شد تا دو باشگاه در شرایط یکسانی پا به بازار جذاب اما خطرناک تابلوخوانی بگذارند، بازاری که می تواند از مدیریت دولتی هم کشنده تر باشد.